

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی
سال سیزدهم - شماره چهارم - تیر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۰

مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی
(ص ۱۴۵-۱۶۷)

موسی میرزایی^۱، بهزاد رهبر (نویسنده مسئول)^۲، محمدرضا اروجی^۴
تاریخ دریافت مقاله: پائیز ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پائیز ۱۳۹۸

چکیده:

پژوهش حاضر تلاشی است برای بررسی مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی براساس الگوهای بویج (۲۰۰۵) در اسم، فعل، صفت و قید و پاسخ به این پرسش که آیا فرآیندهای واژه‌سازی در گویش طالقانی در قالب این قاعده‌ها قرار می‌گیرد. این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و مشارکان پژوهش بیست نفر از گویشوران طالقانی روستای «کیاده» میباشند که بین سنین ۳۰ تا ۸۰ سال هستند و تمایز جنسی نیز لحاظ نشده است. گویشوران از سنین مختلف و شامل افراد بیسواد و تحصیل کرده میباشند. نتایج داده‌های تحقیق نشان میدهد که در گویش طالقانی برای اسم مشخصه‌های شمار (مفرد و جمع)، حالت (اضافی)، معرفگی وجود دارد و مشخصه جنس در این گویش متبلور نمیگردد. برای افعال مشخصه‌های زمان (حال، گذشته، آینده)، وجه (امری، التزامی، نفی، شرط، اخباری و پرسشی)، نمود (کامل و ناقص)، جهت دستوری (معلوم)، شخص (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص) و شمار (مفرد و جمع) و برای اسم مشخصه‌های شمار (مفرد و جمع)، حالت اضافه و معرفگی مشخص گردید و مشخصه تصریفی درجه (تفضیلی) برای صفت و قید وجود دارد. تمام مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی در قالب الگوهای ارائه شده توسط بویج (۲۰۰۵) قرار میگیرند و الگوهای ارائه شده توسط بویج میتواند به عنوان ابزاری مناسب جهت تعیین مشخصه‌های تصریفی استفاده گردد. به دلیل اینکه این گویش نیز همانند بسیاری از گویشهای دیگر در معرض نابودی است و گویشوران کنونی آخرین نسلی خواهند بود که به این گویش صحبت میکنند، این تحقیق میتواند برای آیندگان و کسانی که به حوزه زبانشناسی علاقه دارند، مفید باشد.

کلید واژه‌ها: صرف، تصریف، مشخصه تصریفی، قاعده تصریفی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری، رشته زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Mirzaei.mousa@yahoo.com)

۳- استادیار گروه زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(rahbarbehzad@gmail.com)

۴- استادیار گروه زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

(Mohammadrezaorji@yahoo.com)

Inflectional features in Taleqani dialect

Mousa Mirzaei^۱, Behzad Rahbar^۲ (corresponding author),
Mohammad Reza Oroji^۳

Abstract

The present study was an attempt to investigate the inflectional features of Taleqani dialect based on Booij's patterns (2005) in nouns, verbs, adjectives and adverbs and answering the question of whether the inflectional features of Taleqani dialect fall within these rules. The research was descriptive-analytical and research contributors are twenty Taleqani speakers from the village of Kiyadeh who were in the range of 30 and 80 years and sex was disregarded. They include the illiterate and the educated. According to the research, it was found that all inflectional features of Taleqani dialect are in the form of the patterns provided by Booij (2005). So the patterns provided by the Booij can be used as a suitable tool for defining the inflectional features. Because this dialect, like many other dialects, is on the verge of extinction and the current speakers will be the last generation who speak this dialect, this research can be useful for next generation and those who interested in linguistics.

Key words: morphology, inflection, inflectional features, inflectional rule

1 - PhD student, Department of Linguistics, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. (Mirzaei.mousa@yahoo.com)

2 - Assistant Professor, Department of Linguistics, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. (rahbarbehzad@gmail.com)

3 - Assistant Professor, Department of Linguistics, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. (Mohammadrezaoroji@yahoo.com)

۱. مقدمه

پژوهش حاضر، بر گویش طالقانی و به طور خاص بر گویش روستای «کیاده» که در قسمت پایین طالقان قرار دارد و تقریباً در مرز تقسیم بندی استانی بین استان البرز و قزوین در ۶۰ کیلومتری شهر قزوین واقع شده است انجام گرفته است. صرف شاخه‌ای از زبانشناسی است که به مطالعه ساختمان درونی واژه‌ها و روابط حاکم بر آنها میپردازد. (مبانی صرف، شقاقی، ص ۹). از دیرباز زبانشناسان به مطالعه ساختمان واژه‌ها و فرآیندهایی که در ساخت واژه‌ها دخیل هستند توجه خاصی داشته‌اند. زبانشناسان و پژوهشگران تقسیم‌بندیهای مختلفی برای انواع واژه قائل شده‌اند که مهمترین آن تقسیم واژه به دو بخش: «بسیط»^۱ و «غیربسیط»^۲ میباشد. در بحث صرف توجه پژوهشگران بیشتر به ساختمان واژه‌های غیربسیط بوده است و در مورد آن مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است. در بررسی ساختمان واژه‌های غیربسیط به دو لایه «تصریفی»^۳ و «اشتقاقی»^۴ بیشتر از همه توجه شده است؛ لایه تصریفی فقط صورت کلمه را دچار تغییر میکند ولی لایه اشتقاقی معنی و طبقه دستوری کلمه را تغییر میدهد و منجر به ایجاد کلمه‌ای جدید میشود.

بویج^۵ (۲۰۰۵) مقوله‌های تصریفی مختلف در زبانهای دنیا را شامل موارد زیر میداند: برای اسامی: «شمار» (مفرد، جمع، مثنی)، «حالت» (فاعلی، اضافی، مفعولی)، «معرفگی» و «جنس»؛

برای افعال: «زمان» (حال، گذشته، آینده)، «نمود» (ناقص، کامل)، «وجه» (اخباری، التزامی، امری)، «جهت دستوری» (معلوم، مجهول)، «شمار» (مفرد، جمع)، «شخص» (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)؛ برای صفات: «درجه» (مثبت، تفضیلی، عالی)، «شمار»، «جنس»، «حالت» و «معرفگی» (دستور کلمات، بویج، ص ۱۰۰)

در این مقاله ابتدا دیدگاه‌ها و مطالعات مختلفی که بر روی واژه صورت گرفته به اختصار تحت عنوان پیشینه کار معرفی خواهد شد، سپس مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی بر اساس الگوهای ارائه شده توسط بویج (۲۰۰۵) مورد بررسی قرار خواهد

1 - simple
2 - complex
3 - inflectional
4 - derivational
5- Booij 2005

گرفت تا مشخص گردد که آیا مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی نیز از در چارچوب این الگوها قرار می‌گیرد.

روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی است و تحلیل داده‌ها بر اساس الگوهای ارائه شده توسط بویج (۲۰۰۵) صورت می‌گیرد. مشارکان پژوهش بیست نفر از گویشوران طالقانی روستای «کیاده» می‌باشند که بین سنین ۳۰ تا ۸۰ سال هستند و تمایز جنسی نیز لحاظ نشده است. گویشوران از سنین مختلف و شامل افراد بیسواد و تحصیل کرده می‌باشند. پژوهشگر از راه تماس مستقیم با گویشوران گویش طالقانی به بررسی این گویش می‌پردازد؛ با ایجاد رابطه نزدیک با گویشوران محلی و فراهم کردن شرایط طبیعی برای بحث و گفتگو و تشویق کردن گویشوران برای بیان تجربیات، داستانها، ضرب‌المثلها، سرگذشت خود و رسوم گذشتگان و وضعیت زندگی مردمان روستا به گونه‌ای که گویشوران با علاقه و بسیار طبیعی درباره موضوعات مختلف سخن بگویند. مواردی هم که جملاتی و کلماتی از قبل آماده شده بود و از گویشوران خواسته میشد که آن جملات را به گویش طالقانی بگویند.

پرسش اصلی این پژوهش این است که مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی کدامند. بویل^۱ (۱۹۶۶) دستور زبان فارسی را بررسی میکند و در این بررسی به جز پایانه‌های جمع به وجود هیچ تصریف دیگری در زبان فارسی قائل نیست. وی در بررسی ساختمان فعل، صفت، مطابقه فعل و فاعل هیچ حرفی از تصریف به میان نمی‌آورد و از اصطلاحاتی مانند جزء فعلی و پایانه شخصی به جای وند تصریفی استفاده میکند.

متیوز^۲ (۱۹۷۴) کوشیده است واژه‌شناسی را تشریح نماید، لذا ضمن معرفی حوزه واژه‌شناسی انواع واژه «واژه انتزاعی»^۳ و «صورت کلمه»^۴ را تعریف مینماید و به فرآیندهای واژه‌سازی «اشتقاق»^۵، «ترکیب»^۶، «تصریف»^۷، «تکرار»^۸، «تبدیل»^۹، می‌پردازد. وی همچنین انواع وندافزایی در ساخت کلمات را توضیح میدهد و به سه نوع وندافزایی «پسوند»^{۱۰}، «پیشوند»^۱ و «میانوند»^۲ اشاره دارد.

- 1- Boyle
- 2- Matthews
3. lexeme
- 4 . word-form
- 5 . derivation
6. compound
- 7 . inflection
- 8 . reduplication
- 9 . modification
10. suffix

ویندفور^۳ (۱۹۷۹) در بررسی دستور زبان فارسی به وجود مقوله‌های تصریفی «جمع»، «معرفگی» و «حالت» در اسامی و «زمان»، «وجه» و «نمود» در افعال فارسی قائل است. کاتامبا^۴ (۱۹۹۳) در بررسی وندها به انواع وندهای «تصریفی» و «اشتقاقی» و نقش آنها در ساختمان کلمه و تفاوت آنها میپردازد. در مقوله‌های تصریفی، دو طبقه فعل و اسم را تشریح میکند و مقوله‌های تصریفی آنها را بیان میکند: برای فعل: زمان، نمود، حالت و طبقه صرفی و برای اسم: شمار، جنس یا طبقه.

ماهوتیان (۱۳۷۸) تصریف در اسم، ضمیر، فعل، صفت، عدد، قید و صرف اشتقاقی را مورد بررسی قرار میدهد و فرآیندهای مختلف تصریفی مربوط به هر کدام را جداگانه توصیف میکند. در اسامی به تصریف «مفرد / جمع» و «معرفه / نکره» اشاره میکند. استامپ (۲۰۰۱) اعتقاد دارد که در زبانهای دارای تصریف مقوله‌های «وجه»، «نمود»، «جهت دستوری»، «زمان»، «شخص»، «شمار»، «حالت»، «جنس»، «معرفگی» و «درجه» یافت میشود. (واژه شناسی تصریفی، استامپ، ص ۲۴۶).

هسپلمت^۵ (۲۰۰۲) عنوان میکند که مقوله‌های تصریفی که ما در زبانها یافتیم یکی هستند و احتمالاً بیش از دو سوم تمام مقوله‌های تصریفی در یکی از طبقه‌های زیر قرار بگیرند: برای اسامی: شمار و حالت؛ برای افعال: زمان، نمود و وجه؛ برای اسامی، افعال، صفتها و حروف: مطابقه شمار، حالت، شخص و جنس (درک صرف، هسپلمت: ص ۶۳). مک‌کارتی^۶ (۲۰۰۲) به انواع تکواژ (مقید و آزاد) در زبان انگلیسی اشاره دارد و تکواژ آزاد را تکواژی میداند که بتواند به تنهایی حضور داشته باشد و تکواژ مقید تکواژی است که حضورش به تنهایی امکان نداشته باشد.

در حوزه تصریف کلمه‌هایی را تصریفی میداند که اغلب در فرهنگ لغت حضور ندارند. در این حوزه به مقوله‌های تصریفی اسم، فعل و صفت میپردازد و برای اسم مقوله تصریفی شمار (مفرد یا جمع بودن) و حالت (فاعلی یا مفعولی)، برای فعل مقوله‌های زمان، شخص و شمار، برای صفت هم مقوله‌های تفضیلی و عالی را عنوان میکند.

لیبر (۲۰۰۹) به انواع مقوله‌های تصریفی که در زبانهای دنیا یافت میشوند میپردازد: «شمار» (مفرد و جمع) برای اسم، «شخص» (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص) برای

1. prefix
2. infix
- 3- Windfuhr
- 4- Catamba
- 5- Haspelmath
- 6- McCarthy

فعل و اسم، «جنس» (مذکر، مونث و خنثی) برای اسم، «حالت» (فاعلی، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، مالکیت و مفعول حرف اضافه) برای اسم، «زمان» (حال، گذشته، آینده) برای فعل، «نمود» (کامل و ناقص) برای فعل، «جهت دستوری» (معلوم و مجهول) برای فعل، «وجه» (اخباری، پرسشی، امری)، برای فعل.

صادقی و ارژنگ (۱۳۵۶) انواع جمله و کاربرد آن و همچنین انواع کلمه و ساختمان آن را بررسی میکنند و به طور مختصر به مقوله‌های تصریفی میپردازند.

مشکوه‌الدینی (۱۳۷۴) بخش نحوی زبان فارسی را بر پایه نظریه زایا گشتاری مورد بررسی قرار میدهد و به صورتهای صرفی فعل، اسم و صفت اشاره دارد.

انوری و گیوی (۱۳۷۸) انواع کلمه از جمله اسم، فعل، صفت، ضمیر و قید و ساختمان آنها را بررسی میکنند.

ناتل‌خانلری (۱۳۸۰) اشاره مستقیمی به فرآیندهای صرفی ندارد اما هنگام بررسی افعال، اسامی و ضمائر به صورتهای مختلف آنها اشاره و به این موضوع میپردازد.

شقایقی (۱۳۸۶) به تشریح واژه و معیارهای شناسایی واژه که شامل معیار آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردی پرداخته است.

فرشیدورد (۱۳۹۴) به صرف فارسی پرداخته است و موضوع صرف را شامل: سازه، کلمه، اجزای کلام، ترکیب، اشتقاق، سازه‌شناسی، لغت‌سازی و واجهای سازه‌ای میداند.

وحیدیان کامیار (۱۳۸۶) به توصیف گروه‌های فعلی، اسمی، قیدی و ضمیر میپردازد. وی برای فعل شش ویژگی نام میبرد: «شخص»، «زمان»، «گذر»، «معلوم و مجهول»، «وجه» و «نمود». در بررسی گروه اسمی به ویژگیهای وابسته‌پذیری؛ شمار؛ معرفه، نکره، اسم جنس؛ عام و خاص، ساخت اشاره دارد و آنها را توصیف میکند.

سامعی (۱۳۹۵) به توصیف فرآیندهای طبیعی واژه‌سازی در زبان فارسی پرداخته است و سعی نموده است تا خطوط کلی واژه‌سازی طبیعی زبان فارسی را از دیدگاه علمی مورد مطالعه قرار دهد و از طریق تحلیل داده‌ها، به فرآیندها و قواعد حاکم بر ساخت کلمات ترکیبی فارسی بپردازد و در این میان، برخی از مسائل واجی، نحوی و معنایی واژه‌سازی فارسی را مورد بحث قرار دهد.

مشکوه‌الدینی (۱۳۹۵) به بررسی و توصیف ویژگیهای دستوری و صرفی در زبان فارسی پرداخته است. وی ضمن توصیف واژه و تکواژ و انواع آن به تصریف در فعل، اسم، ضمیر، صفت و قید اشاره کرده است.

افراشی (۱۳۹۵) توصیفی از اصطلاحات بنیادی زبان‌شناسی را ضمن معرفی ویژگیهای آوایی، واجی، صرفی و نحوی زبان فارسی ارائه میدهد. بیش از چهارصد نمونه از زبان

فارسی را در حوزه‌های مختلف آواشناسی، واج‌شناسی، صرف و نحو مورد تحلیل قرار داده است.

طباطبایی (۱۳۹۵) در باب واژه‌های مرکب با توجه به ساختار و روابط نحوی - معنایی عناصر سازنده آنها با یکدیگر و «پیشایندهای مکانی - زمانی» و «عددوارها» را بررسی کرده است.

بر اساس بررسیهای نگارنده پژوهشهای موجود در مورد گویشهای دیگر طالقان به شرح

زیر میباشد:

هاشمی (۱۳۷۲) به بررسی آوایی، صرفی و نحوی گویش «وانک» که گویش مردم روستایی به همین نام واقع در منطقه طالقان است پرداخته است. نگارنده آورده است این گویش یکی از گونه‌های گویش طالقانی است که آن نیز به نوبه خود یکی از گونه‌های زبان تاتی به شمار میرود. بررسی آوایی گویش طالقانی نشان داده است این گویش از ۲۲ همخوان، ۶ واکه بسیط و یک واکه مرکب تشکیل شده است.

الهی (۱۳۷۴) به بررسی گویش طالقانی - سوهانی، که یکی از گویشهای زبان فارسی امروزی است، پرداخته است. خصوصیات اصلی این گویش عبارتند از: تقدم صفت بر موصوف - تقدم مضاف‌الیه بر مضاف - کاربرد حروف اضافه بعد از اسم (بجای قبل از اسم) - در محدوده آوایی نیز این گویش فاقد واج /ʒ/ میباشد و دارای یک واکه مرکب /ow/ نیز میباشد.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر مبنای آنچه که بویج (۲۰۰۵) مطرح کرده است به بررسی تبلور مشخصه‌های تصریفی در گویش طالقانی میپردازیم. بر این اساس مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی را به شرح زیر میباشد:

۲-۱-۱ مشخصه‌های تصریفی فعل

۲-۱-۱-۱ زمان

۲-۱-۱-۱-۱ زمان حال:

در گویش طالقانی زمان حال با تکواژ /me-/ همراه است، که به دلیل همگونی واکه‌ای خود دارای گونه‌های /-mu/، /mi-/ و /mo-/ نیز میباشد که با یکدیگر در توزیع تکمیلی هستند. تکواژگونه /mu/ (اگر چنانچه واکه اولین هجای ستاک گذشته و مضارع /u/

باشد، [mi-] (اگر واکه اولین هجای ستاک مضارع /i/ باشد) و /mo-/ (اگر واکه اولین هجای ستاک مضارع /o/ باشد) به کار می‌رود.

1. har ruz ketâb me-xaram

everyday-SG book-SG buy-PRSNT-1.SG

«من هر روز کتاب می‌خرم»

2. har ruz mu-šum kâri sar

everyday-SG go-PRSNT-1.SG at work

«من هر روز می‌روم سر کار»

3. man mo-xoram

I eat-PRSNT-1.SG

«من می‌خورم»

4. man gilâs mi-čînam

I cherry-SG pick-PRNTS-1.SG

«من گیلاس می‌چینم»

۲-۱-۱-۲ زمان گذشته

علامت ستاک گذشته معمولاً یکی از تکواژهای زیر است که کاربرد آنها مشروط به

شرایط آوایی است:

/d/ ، /i/ ، /t/ ، /â/

/-d/ پس از ستاکهای حال مختوم به /r/ و /n/ مشاهده می‌شود:

5. bexor-d-am

eat-PST-1.SG «خوردم»

6. bušur-d-Ø

wash

-PST-3.SG

«شست»

7. vešân-d-Ø

scatter-PST-3.SG

«افشاند»

/-i/

8. bipič-i-yam

twist-PST-1.SG

«پیچیدم»

9. bebaxš-i-eym

forvige-PST-1.PL

«بخشیدیم»

/-t/

10. buduš-t-∅
milk-PST-3.SG
«دوشید»
11. bebâres-t-∅
rain-PST-3.SG-
«بارید»
12. bexandes-t-am
laugh-PST-1.SG
«خندیدم»
13. vegardes-t-im
«برگشتیم» come back-PST-1.PL
/â/
14. had-â-m
«دادم» give-PST-1.SG
- در اکثر افعال گذشته پیشوند تصریفی فعلی به کار میرود. این تکواژ دارای یک گونه اصلی /be-/ میباشد که به دلیل همگونی آوایی دارای گونه‌های /bo-/, /bi-/, و /bu-/ است که با هم در توزیع تکمیلی هستند.
15. ?ou xâniša tâze be-sâtiya.
he/she home-3.SG POS recently build-PST-3.SG
«او خانه اش را تازه ساخته است.»
16. qazâte bo-xordi?
food-2.SG POS-OBJ eat-PST-2.SG
«غذایت را خوردی؟»
17. čand ru piš bi-yâmiyam dah.
some day-SG ago come-PST-1.SG village
«چند روز پیش به دهات آمدم.»
18. pânânam bu-sute ba∅.
foot-PL-1.SG POS burn-PST.PRFCT-3.SG
«پاهایم سوخته بود.»
- /be-/ قبل از ستاک فعلی که واکه اولین هجای آن /a/ یا /â/ و یا /e/ باشد به کار میرود.
19. be-famessam
understand-PST-1.SG
«فهمیدم»
20. be-resiyam
arrive-PST-1.SG
«رسیدم»

21. be-xândam

read-PST-1.SG

«خواندم»

:/bi-/

اگر تکواژ نشانگر فعلی /be-/ به واژه‌ای که اولین واکه آن /i/ باشد، افزوده گردد، واکه این پیشوند /e/ نیز همان مختصات واکه /i/ را میگیرد و نمود آوایی آن /e/ با مختصات [+پیشین، + بسته] حفظ میشود.

22. bi-diyam

see-PST-1.SG

«دیدم»

23. bi-čindam

pick-PST-1.SG «چیدم»

اگر تکواژ نشانگر فعلی /be-/ به واژه‌ای که اولین همخوان آن /y/ باشد، افزوده گردد، واکه این پیشوند /e/ مختصات واکه /i/ را به خود میگیرد و نمود آوایی آن /e/ با مختصات [+واک، + بسته] میگردد.

24. bi-yordam

bring-PST-1.SG «آوردم»

25. bi-yâmiyan

come-PST-3.PL «آمدند»

:/bu-/

اگر تکواژ نشانگر فعلی [be-] به واژه‌ای که اولین واکه آن [u] باشد، افزوده گردد، واکه این تکواژ [e] نیز همان مختصات واکه [u] را حفظ میکند و نمود آوایی آن [e] با مختصات [+پسین، + گرد] حفظ میشود.

26. bu-dutam

sew-PST-1.SG

«دوختم»

27. bu-sut

burn-PST-3.SG

«سوخت»

28. bu-rutam

sell-PST-1.SG

«فروختم»

:/bo-/

اگر تکواژ نشانگر فعلی /be-/ به واژه‌ای که اولین واکه آن /o/ باشد، افزوده گردد، واکه این تکواژ /e/ نیز همان مختصات واکه /o/ را حفظ میکند و نمود آوایی آن /e/ با مختصات [+پسین، +گرد] حفظ میشود.

29. bo-xordam

eat-PST-1.SG «خوردم»

۴-۱-۳ زمان آینده

در گویش طالقانی زمان آینده هم مانند زمان حال با تکواژ /me-/ همراه است که این تکواژ به دلیل همگونی آوایی دارای گونه‌های /mu-/, /mi-/, و /mo-/ نیز میباشد که آن در توزیع تکمیلی هستند.

30. pas sebâ ketâb me-xaram

after tomorrow book-SG buy-FUTR-1.SG

«من پس فردا کتاب میخرم»

31. sebâ mo-xoram

tomorrow eat-FUTR-1.SG «فردا میخورم»

32. sâl diar mu-šum kâri sar

year next go-FUTR-1.SG work at «من سال بعد میروم سر کار»

33. sâl diar mi-aram

year next bring-FUTR-1.SG

«سال بعد میآورم»

۴-۱-۲ وجه^۱

وجه نوعی از کنش گفتاری است که در فعل نمود پیدا میکند و دارای حالت‌های خبری، پرسشی و دستوری است (معرفی صرف، لیبر، ۹۸).
وجه یکی دیگر از مشخصه‌های تصریفی فعل است که شامل انواع «خبری»، «پرسشی»، «امری»، «التزامی» و «شرطی» میباشد. در گویش طالقانی انواع مختلف وجه به شرح زیر میباشد:

۴-۱-۲ امری^۲

فعلی که از وجه التزامی و اخباری نباشد از وجه امری است. وجه امری دو ساخت بیشتر ندارد: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع (دستور زبان فارسی ۱، وحیدیان کامیار، ص ۵۵).

1- mood

2- imperative

وجه امری برای دادن دستور است (معرفی صرف، لیبر، ص ۹۸).
وجه امری در گویش طالقانی با پیشوند فعلی /be-/ همراه است که این پیشوند فعلی به دلیل همگونی آوایی دارای گونه‌های /bu-، /bi-، و /bo-/ نیز می‌باشد که با آن در توزیع تکمیلی هستند.

34. ketâbâne be-bar

book-PL-OBJ take-IMP-2.SG «کتابها را ببر»

35. lebâsâne bu-šur

cloth-PL-OBJ wash-IMP-2.SG «لباسها را بشور»

36. širini bo-xorin

sweet-SG eat-IMP-2.PL «شیرینی بخورید»

۲-۲-۱-۲ نفی

فعل نفی در گویش طالقانی دارای تکواژ نشانگر فعلی /ne-/ است که این تکواژ به دلیل همگونی آوایی دارای گونه‌های /nu-، /ni-، و /no-/ نیز می‌باشد. که با آن در توزیع تکمیلی هستند:

37. ne-resiyam

arrive-NEG-PST-1.SG «نرسیدم»

38. ni-šiyam

go-NEG-PST-1.SG

«نرفتم»

39. nu-ruš

sell-NEG-IMP-1.SG

«نفروش»

40. no-xor

eat-NEG-IMP-2.SG

«نفروش»

۳-۲-۱-۲ التزامی^۱

فعل در صورتی به وجه التزامی به کار می‌رود که وقوع آن به صورت الزام، تردید، آرزو، توصیه، شرط، دعا یا میل مطرح شود (دستور زبان فارسی ۱، وحیدیان کامیار، ص ۵۴).

وجه التزامی در گویش طالقانی با پیشوند فعلی /be-/ همراه است که این پیشوند فعلی به دلیل همگونی آوایی دارای گونه‌های /bu-/، /bi-/ و /bo-/ نیز می‌باشد که با آن در توزیع تکمیلی هستند.

41. šâyad zang be-zana.
«شاید زنگ بزند» maybe call-PRSNT-3.SG

42. bâyard bu-šum
«باید بروم» must go-PRSNT-1.SG

43. šâyad bo-xoram
«شاید» maybe eat-PRSNT-1.SG

بخورم»

۲-۱-۲-۴ شرط^۱

در گویش طالقانی برای وجه شرطی از یکی از حالت‌های التزامی و یا اخباری استفاده می‌شود.

44. ?age bexây biši man di miyâm
if want-SUBJC-2.SG go-SUBJC I too come-PRSNT-1.SG
«اگر بخواهی بروی من هم می‌ایم»

45. ?age mexây biši man di miyâm
if want-INDC-2.SG go-SUBJC I too come-PRSNT-1.SG
«اگر می‌خواهی بروی من هم می‌ایم»

۲-۱-۲-۵ اخباری^۲

اگر گوینده از وقوع فعل یقین داشته باشد یا سخنش را قطعی مطرح سازد یا به تعبیری بیطرف باشد آن فعل دارای وجه اخباری است. همه ساخت‌های افعال، جز ماضی التزامی و مضارع التزامی و دو ساخت امر دارای وجه اخباری‌اند. هر گاه فعل گذشته از فعل‌های کمکی «باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند» خالی بود دارای وجه اخباری است. وجه اخباری در مضارع با تکواژ (می) همراه است (دستور زبان فارسی ۱، وحیدیان کامیار، ص ۵۴).

وجه اخباری در زمان آینده نیز با تکواژ (می) همراه است.

1- condition
2- indicative

در گویش طالقانی وجه اخباری در زمان حال و آینده با تکواژ /me-/ همراه است که این تکواژ به دلیل همگونی آوایی دارای گونه‌های /mu-/, /mi-/, و /mo-/ نیز میباشد که با آن در توزیع تکمیلی هستند.

46. man har ruz mu-šum madresa
I every day go-PRSNT-INDC-1.SG school

«من هر روز به مدرسه میروم»

47. sebâ ye ketâb me-xaram
tomorrow one book-SG buy-FUTR-INDC-1.SG

«فردا یک کتاب میخرم»

۱-۲-۶ پرسشی^۱

وجه پرسشی برای پرسیدن سوال است (معرفی صرف، لیبر، ص ۹۸).

در گویش طالقانی جملات پرسشی که جواب «بله یا خیر» داشته باشند با «آهنگ»^۲ جمله پرسشی میشوند و کلمه پرسشی «آیا» برای ساخت جمله پرسشی در این گویش وجود ندارد.

48. ketâb bexaresti?

book-SG buy-PST-1.SG-QUES

«آیا کتاب خریدی؟»

۲-۱-۳ نمود^۳

نمود نشان دادن زمان یک رخ داد با در نظر گرفتن موقعیت گوینده است (معرفی صرف، لیبر، ص ۹۵).

نمود روشی است که در آن زمان رخ دادن واقعه‌ای نشان داده میشود (معرفی صرف، لیبر، ص ۹۵).

همانطور که در فصل دوم گفته شد نمود به دو دسته تقسیم میشود: نمود کامل و نمود ناقص.

1- interrogative
2 - intonation
3- aspect

۱-۳-۱-۲ نمود کامل^۱

نمود کامل نشان دهنده یک رخداد است که کامل شده است و ما از بیرون به رخداد مینگریم (معرفی صرف، لیبر، ص ۹۵).

این مشخصه در گویش طالقانی با استفاده از صفت مفعولی و شناسه‌ها برای زمان حال کامل (ماضی نقلی) و صفت مفعولی و فعل کمکی «بودن» و شناسه‌ها برای زمان گذشته کامل (ماضی بعید) ساخته میشود.

صفت مفعولی در این گویش از ستاک گذشته به اضافه پسوند اشتقاقی اسم مفعول ساز ساخته میشود، این پسوند؛ پسوندی است که در گذشته نقلی و گذشته بعید پس از ستاک گذشته مختوم به همخوان به صورت /-i/ و پس از ستاک گذشته مختوم به واکه به صورت /Ø/ وجود دارد. شناسه در افعال گذشته نقلی و گذشته بعید برای اول شخص مفرد /-am/، برای دوم شخص مفرد /-ey/، برای سوم شخص مفرد /-â/، برای اول شخص جمع /-eym/، برای دوم شخص جمع /-eyn/ و برای سوم شخص جمع /-an/ میباشد.

49. dukânete devast-i biy-ey.

shop-2.SG POS-OBJ close-PST.PRFCT-2.SG

«مغازه‌ات را بسته بودی.»

50. gazâ re boxord-i-y-ey

food-SG-OBJ eat-PRES.PRFCT.2.SG

«غذا را خورده‌ای»

51. bannâ re bid-i-y-am.

bricklayer-SG-OBJ see-PRES.PRFCT-1.SG

«بتا را دیده‌ام.»

52. bâhâr biš-i biy-eym mašhhad.

spring go-PST.PRFCT-1.PL Mashhad

«بهار رفته بودیم مشهد.»

1- perfective

۲-۳-۱-۲ نمود ناقص^۱

نمود کامل نشان دهنده یک رخداد است که در حال اتفاق افتادن است و ما از داخل به رخداد می‌نگریم (معرفی صرف، لیبر، ۹۵). در گویش طالقانی نمود ناقص به صورت استمراری با استفاده از فعل «داشتن» و پیشوند تصریفی /me-/ که به فعل اصلی افزوده می‌گردد، نشان داده می‌شود. وند نمود که نشانه استمرار می‌باشد و پیش از افعال ماضی و مضارع می‌آید، یک گونه اصلی /me-/ است، که به دلیل همگونی واکه‌ای خود دارای گونه‌های /mu-/، /mi-/ و /mo-/ نیز می‌باشد که با یکدیگر در توزیع تکمیلی هستند. وند نمود (استمرار) /mu-/ (اگر چنانچه واکه اولین هجای ستاک گذشته و مضارع /u/ باشد)، /mi-/ (اگر واکه اولین هجای ستاک گذشته و یا مضارع /i/ باشد) و /mo-/ (اگر واکه اولین هجای ستاک گذشته و یا مضارع /o/ باشد) به کار می‌رود.
:/me-/

53. dâram âš me-pazam

«دارم آش می‌پزم» cook-PRSNT.CONT-1.SG soup

54. dâre me-xanda

«دارد می‌خندد» laugh-PRSNT.CONT-3.SG

55. dârim me-pâčim

«داریم می‌پاشیم» scatter-PRSNT.CONT-1.PL

56. dâštam me-patam

«داریم می‌پاشیم» cook-PST.CONT-1.SG

57. dâštim me-xandestim

«داشتیم می‌خندیدیم» laugh-PST.CONT-1.PL

58. dâštam me-pâtam

«داشتیم می‌پاشیدم» scatter-PST.CONT-1.SG

59. dâram ketâb me-xânam

«دارم کتاب می‌خوانم» read-PRSNT.CONT-1.SG

:/ mu-/

اگر پیشوند نمود /me-/ به واژه‌ای که اولین واکه آن /u/ باشد، افزوده گردد، واکه این پیشوند /e/ نیز همان مختصات واکه /u/ را حفظ می‌کند.

60. dârim mu-šurim

1- imperfective

wash-PRSNT.CONT-1.PL «داریم»

«میشویم»

61. dâštam mu-šurdam

wash-PST.CONT-1.SG «داشتم»

«میشستم»

62. dâram mu-šum kâri sar

go-PRSNT.CONT-1.SG work at «دارم میروم سر

«کار»

:/mi-/

اگر پیشوند نمود /me-/ به واژه‌ای که اولین واکه آن /i/ باشد، افزوده شود، واکه این پیشوند /e/ نیز همان مختصات واکه /i/ را حفظ میکند.

واکه /e/ در وند نمود با واکه /i/ موجود در ریشه فعل همگون شده است.

63. dârim mi-šim

go-PRSNT.CONT-1.PL «داریم»

«میرویم»

64. dârim mi-činim

pick-PRSNT.CONT-1.PL «داریم»

«میچینم»

:/mo-/

اگر پیشوند نمود /me-/ به واژه‌ای که اولین واکه آن /o/ باشد، افزوده گردد، واکه این پیشوند /e/ نیز همان مختصات واکه /o/ را حفظ میکند.

65. dâram sebâne mo-xoram

eat-PRSNT.CONT-1.SG breakfast «دارم صبحانه

«میخورم»

۴-۱-۲ جهت دستوری^۱

جهت دستوری مقوله‌ای تصریفی است که اجازه میدهد یک عبارت اسمی

متفاوت در جمله مورد تاکید قرار بگیرد (معرفی صرف، لیبر، ۹۷).

جهت دستوری همانگونه که در مبانی نظری در فصل دوم گفته شد به دو صورت

معلوم^۱ و مجهول^۲ تقسیم میشود. در جهت دستوری جمله داری یک کنشگر^۳ و یک

1- voice

پذیرنده^۴ می‌باشد که کنشگر به خاصیت فاعل بودن جمله مورد تاکید قرار می‌گیرد و در جهت دستوری مجهول پذیرنده فاعل جمله است و مورد تاکید قرار می‌گیرد (معرفی صرف، لیبر، ۹۷). بر اساس تحقیقات پژوهشگر جهت دستوری مجهول در این گویش کاربرد ندارد و از ساختار معلوم استفاده می‌شود.

66. ?ali re begutian

Ali tell-PRSNT.PRFCT-3.PL

(Ali was told) «به علی گفته شد (به علی گفته‌اند)»

۲-۱-۵ شخص^۵ و شمار^۶

در این گویش همانند زبان فارسی برای نشان دادن «شخص» و «شمار» از شناسه استفاده می‌گردد که غالباً پس از ستاک فعل می‌آیند و نوع فعل را از نظر عوامل «شخص» و «شمار» تعیین می‌کنند. این عناصر به سه دسته تقسیم می‌شوند:

جدول شماره ۱: پسوندهای فعلی در زمانهای حال ساده (اخباری یا

استمراری) و حال التزامی

جدول شماره ۱	۳. جمع	۲. جمع	۱. جمع	۳. مفرد	۲. مفرد	۱. مفرد
متصل به ستاک مختوم به صامت	/-an/	/-in/	/-im/	/-a/	/-i/	/-am/
متصل به ستاک مختوم به مصوت	/-n/	/-yn/	/-ym/	/-Ø/	/-y/	/-m/
متصل به ستاک مختوم به مصوت /i/	/-an/	/-eyn/	/-eym/	/-a/	/-ey/	/-am/

جدول شماره ۲: پسوندهای فعلی در زمانهای گذشته ساده، گذشته استمراری

و گذشته التزامی

- 1- active
- 2- passive
- 3- agent
- 4- patient
- 5- person
- 6- number

مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی /۱۶۵

جدول شماره ۲	۳. جمع	۲. جمع	۱. جمع	۳. مفرد	۲. مفرد	۱. مفرد
متصل به ستاک مختوم به صامت	/-an/	/-in/	/-im/	/-Ø/	/-i/	/-am/
متصل به ستاک مختوم به مصوت	/-n/	/-yn/	/-ym/	/-Ø/	/-y/	/-m/
متصل به ستاک مختوم به مصوت /i/	/-an/	/-eyn/	/-eym/	/-a /	/-ey/	/-am/

جدول شماره ۳: پسوندهای فعلی در زمانهای ماضی نقلی، ماضی بعید

جدول شماره ۳	۳. جمع	۲. جمع	۱. جمع	۳. مفرد	۲. مفرد	۱. مفرد
	/-an/	/-eyn/	/-eym/	/-a/	/-ey/	/-am/

۲-۲ مشخصه‌های تصریفی اسم

۲-۲-۱ شمار

در گویش طالقانی برای اسامی فقط دو حالت مفرد و جمع متصور است.

پسوند تصریفی جمع در این گویش فقط پسوند /-ân/ میباشد.

67. dâr-ân

tree-PL

«درختان»

68. vač-ân

child-PL

«بچه‌ها»

۲-۲-۲ حالت اضافه

استفاده از پسوند تصریفی /-i/

69. bâq-i dar beškest

garden-SG-LINKER door-SG break-PST-3.SG

شکست»

۲-۲-۳ معرفی^۱

استفاده از پسوند تصریفی /-e/

70. *pesar-e dišow bešša*
boy-SG-DEFINT last night go-PST-3.SG

«آن پسر دیشب رفت»

۲-۲-۳ مشخصه‌های تصریفی صفت

۲-۳-۱ درجه تفضیلی^۲

استفاده از تکواژ تصریفی /-tar/ در انتهای صفت

71. *?ân xâneh pil-tar ba*

that-SG house-SG big-COMPR be-PST-3.SG

«آن خانه بزرگتر بود»

وقتی از این ساختار برای مقایسه استفاده می‌گردد که تکواژ (az) بعد از صفت و یا بعد

از اسم اولی که مورد مقایسه قرار گرفته می‌آید.

72. *?emsâl viš-tar az pârsâl gilâs dârim*

this_SG year-SG more-COMPR than lastyear cherry-SG have-
PRSNT-1.PL

«امسال بیشتر از پارسال گیلاس داریم»

73. *?emsâl az pârsâl viš-tar gilâs dârim*

this_SG year-SG than lastyear more-COMPR cherry-SG have-
PRSNT-1.PL

«امسال از پارسال بیشتر گیلاس داریم»

۲-۳-۲ درجه عالی^۳

در گویش طالقانی برای ساخت صفت عالی از تکواژهای (az hame) قبل از صفت

تفضیلی استفاده میشود و در حقیقت تکواژ وابسته‌ای برای ساخت صفت عالی وجود ندارد.

74. *?ân xâneh az hame pil-tar-a*

that-SG house-SG than all big-COMPR be-PST-3.SG

«آن خانه از همه بزرگتر (بزرگترین خانه) است»

1- definiteness

2- comparative

3- suprlative

۴-۲ مشخصه‌های تصریفی قید

۱-۴-۲ درجه تفضیلی

استفاده از تکواژ تصریفی /-tar/ بعد از قید

75. *ʔali tend-tar gilâs mičina*

Ali fast-COMPR cherry-SG pick-PRSNT-3.SG

«علی سریع‌تر گیل‌اس می‌چینید»

وقتی از این ساختار برای مقایسه استفاده می‌گردد تکواژ (az) بعد از قید و یا بعد از

اسم اولی که مورد مقایسه قرار گرفته می‌آید.

76. *ʔali tend-tar az berâreš gilâs mičina*

Ali fast-COMPR than brother-SG he-POSS.ADJ cherry-SG

pick-PRSNT-3.SG

«علی سریع‌تر از برادرش گیل‌اس می‌چینید»

77. *ʔali az berâreš tend-tar gilâs mičina*

Ali than brother-PL he-POSS.ADJ fast-COMPR cherry-SG

pick-PRSNT-3.SG

«علی از برادرش سریع‌تر گیل‌اس می‌چینید»

۲-۴-۲ درجه تفضیلی

در گویش طالقانی برای ساخت صفت عالی از تکواژهای (az hame) قبل از صفت

تفضیلی استفاده می‌شود و در حقیقت تکواژ وابسته‌ای برای ساخت صفت عالی وجود ندارد.

78. *ʔali az hame tend-tar gilâs mičina*

Ali than all fast-COMPR cherry-SG pick-PRSNT-3.SG

«علی از همه تندتر گیل‌اس می‌چینید»

۳. نتیجه‌گیری

در گویش طالقانی مشخصه‌های تصریفی برای فعل، اسم، صفت و قید وجود دارد.

مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی در قالب انگاره‌های ارائه شده توسط بویج (۲۰۰۵)

قرار می‌گیرد. در گویش طالقانی برای اسم مشخصه‌های شمار (مفرد و جمع)، معرفگی

وجود دارد و مشخصه جنس در این گویش متبلور نمی‌گردد. برای افعال مشخصه‌های زمان

حال، گذشته، آینده، وجه (امری، التزامی، نفی، شرط، اخباری و پرسشی)، نمود (کامل و ناقص)، جهت دستوری (معلوم)، شخص (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص) و شمار (مفرد و جمع)، برای اسم مشخصه‌های شمار (مفرد و جمع)، حالت اضافه و معرفگی مشخص گردید و مشخصه تصریفی درجه (تفضیلی) برای صفات و قید وجود دارد. تمام مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی در قالب انگاره بویج (۲۰۰۵) قرار میگیرند.

این تحقیق جزء اولین کارهایی است که بر روی مشخصه‌های تصریفی گویش طالقانی صورت گرفته است و به دلیل اینکه این گویش نیز همانند بسیاری از گویشهای دیگر در معرض نابودی است و چه بسا که گویشوران کنونی جزء آخرین نسلهایی باشند که به این گویش صحبت میکنند، لذا این تحقیق میتواند برای آیندگان و کسانی که به حوزه زبانشناسی علاقه دارند و مطالعه میکنند مفید باشد.

منابع فارسی:

- ساخت زبان فارسی، افراشی، آزیتا (۱۳۹۵)، تهران، سمت.
- درآمدی بر زبانشناسی معاصر، اکریدی، ویلیام و دابرووسکی، مایکل، و آرنف مارک، ترجمه علی درزی (۱۳۹۴)، تهران سمت.
- دستور زبان فارسی ۱، انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۵)، تهران انتشارات فاطمی.
- دستور زبان فارسی ۲، انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۸)، تهران انتشارات فاطمی.
- نگاهی تازه به دستور زبان، باطنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات آگاه.
- ساختمان دستوری زبان، باطنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، توصیف، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی، دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۶)، تهران، سمت.
- گفتارهایی در نحو، راسخ مهند، محمد (۱۳۸۸)، تهران، نشر مرکز.
- واژه‌سازی در زبان فارسی: یک انگاره نظری، سامعی، حسین (۱۳۹۵)، تهران، کتاب بهار.
- «تکواژهای وابسته گویش مازندرانی»، سورتیجی، فخرالدین (۱۳۷۵)، فرهنگ، ش ۱۷، ص ۱۳۳-۱۵۴.
- مبانی صرف، شقاقی، ویدا (۱۳۸۶)، تهران، سمت.
- دستور، سال دوم متوسطه عمومی، صادقی، علی اشرف و ارژنگ، غلامرضا (۱۳۵۶)، رشته فرهنگ و ادب، اقبال، تهران.

- ترکیب در زبان فارسی بررسی ساختاری واژه‌های مرکب، طباطبایی، علاءالدین (۱۳۹۵)، تهران، کتاب بهار.
- دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، فرشیدورد، خسرو، (۱۳۹۴)، تهران، انتشارات سخن
- «مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز»، قطره، فریبا (۱۳۸۶)، نامه فرهنگستان، ش ۳، ص ۵۲-۸۱.
- ساخت اشتقاقی در فارسی امروز، کلباسی، ایران (۱۳۹۱)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اصول دستور زبان، گلفام، ارسلان (۱۳۸۶)، تهران، سمت.
- دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ماهوتیان، شهرزاد، ترجمه مهدی سمعی (۱۳۷۸)، تهران، نشر مرکز.
- دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۴)، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی، مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۵)، تهران، سمت.
- دستور زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات توس.
- دستور زبان فارسی ۱، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۵)، تهران، سمت.

منابع انگلیسی:

- A Morphous Morphology, Anderson, S. R. (1992) Cambridge University Press.
- Inflection, In F. Katamba (Ed), Morphology: Critical Concepts in Linguistics, Anderson, S. R. (1998) Vol 2, London & New York: Routledge.
- Morphological Theory, Anderson, S. R. (1988) vol 1, Cambridge University Press.
- Morphological Productivity, Bauer, L. (2001) Cambridge University Press.
- Introducing Linguistic Morphology, Bauer, L. (1983) Edinburgh University Press.
- English Word-Formation, Bauer, L. (1983) Cambridge University Press.
- The Grammar of the Words, Booij, G. (2005) Oxford, Oxford University Press.

- Grammar of Modern Persian, Boyle, J, A (1966), Wiesbaden, Otto Harrassowitz.
- Aspect, Comrie, B. (1976) Cambridge University Press.
- Understanding Morphology, Haspelmath, M. (2002) London, Arnold.
- Deconstructing Morphology, Lieber, R. (1992) Chicago: Chicago University Press.
- Introducing Morphology, Lieber, R. (2009) Cambridge University Press.
- Morphology, Matthews, P.H. (1991) Cambridge University Press.
- Elments de linguistique generale, Martinet, A. (1960) Paris: Armand Colin.
- Current Morphology, McCarthy, A. C. (1992) London: Routledge .
- Morphology, The Descriptive, Analysis of Words, Nida, E (1949), 2nd ed, Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- Phonetics and Phonology, Oroji, M. (2015), Hadaf Novin Press.
- Cours de linguistique generale, Saussure, Ferdinand de (1922) Paris: Payot.
- Morphological Theory, Spencer, A. (1991) Oxford: Blackwell.
- Inflectional Morphology: A Theory of Structure, Stump, G. T. (2001) Cambridge University Press.
- Persian Grammar; History and State of its Study, Windfuhr, G. T. (2001) The Hague & Paris & New York, Mouton.

